

ارائه الگو: راهکاری قرآنی برای تقویت انگیزه‌های عالی و تضعیف انگیزه‌های دانی در زیست اخلاقی

سید حسن سعادت مصطفوی*

سید محمد صالح هاشمی گلپایگانی**

عباس اشرفی***

چکیده

بروز یک فعل در انسان ارتباط وثیقی با انگیزه‌های انسان دارد. تقویت و تضعیف انگیزه احتمال بروز فعل ارادی را در انسان افزایش و کاهش می‌دهد. با توجه به قرار گرفتن افعال ارادی انسان تحت احکام اخلاقی تقویت و تضعیف انگیزه‌های انسان نقش مهمی در زیست اخلاقی انسان دارد. تقویت انگیزه‌های عالی احتمال بروز فعل فضیلت‌مندانه را افزایش داده و در مقابل تضعیف انگیزه‌های دانی احتمال بروز فعل رذیلانه را کاهش می‌دهد و در نهایت به افزایش یا کاهش تحقق ملکات فاضله و رذیله کمک می‌کند. یکی از راهکارهای قرآنی برای تربیت اخلاقی انسان از طریق تقویت انگیزه‌های عالی و تضعیف انگیزه‌های دانی ارائه الگو است. الگوهای اخلاقی به انسان کمک می‌کنند تا با نمونه‌برداری از آنها افعال فضیلت‌مندانه را آسان‌تر انجام داده و افعال رذیلانه را آسان‌تر ترک کند. نمونه‌هایی از الگوهای اخلاص، صبر، توکل، حیا و شکر برای تقویت انگیزه‌های عالی و نمونه‌هایی از الگوهای تکبر، حسد، شهوت‌پرستی و ... برای تضعیف انگیزه‌های دانی انسان در قرآن مطرح شده است. معمولاً قرآن با ذکر الگوها به سرانجام افراد و تبعات افعال آنها اشاره می‌کند تا انسان با تنبیه یافتن بتواند به سهولت زیست اخلاقی فضیلت‌مندانه داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: قرآن، الگوسازی، انگیزه عالی، انگیزه دانی، راهکار تربیتی.

* استاد گروه فلسفه و کلام دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد دانشگاه امام صادق (ع).

** دانشجوی دکتری رشته مدرسی معارف اسلامی، گرایش اخلاق اسلامی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام

خمینی (نویسنده مسئول).

*** استادیار دانشگاه علامه طباطبائی.

مقدمه

مسئله چگونگی زیست اخلاقی دغدغه همیشگی انسان بوده است و ادیان همواره در این خصوص راهکارهایی برای انسان‌ها داشته‌اند. در این تحقیق با تقسیم‌بندی‌های انسان به عالی و دانی، تلاش شده است یکی از راهکارهای قرآن برای وصول به هدف غایی انسان و زیست اخلاقی فضیلت‌مندانه توضیح داده شود. به این منظور ابتدا به وجود انگیزه‌های عالی و دانی در انسان توجه کرده و سپس راهکارهای متعدد قرآن را جهت تقویت انگیزه‌های عالی و تضعیف انگیزه‌های دانی مرور خواهیم کرد. آنگاه جهت پرهیز از گرفتار شدن در یک مقاله گزارشی‌گونه بحث خود را بر راهکار ارائه‌الگو محدود می‌کنیم. بدین منظور ابتدا این راهکار را توصیف کرده و سپس به تحلیل آن خواهیم پرداخت تا ابعاد مختلف آن روشن شود. روش این تحقیق را می‌توان نوعی تفسیر موضوعی دانست که از دو ابزار توصیف و تحلیل بهره گرفته است.

۱. قرآن و انگیزه‌های عالی و دانی انسان

از منظر قرآن کریم انسان موجودی است که از یک سو از خاک آفریده شده است (ص: ۱۷۶؛ المؤمنون: ۱۲) و از سوی دیگر روح الاهی دارد (الحجر: ۲۸ و ۲۹؛ ص: ۷۱ و ۷۲؛ سجده: ۷-۹) و خداوند جهت خلقت او خود را متبارک خوانده است (المؤمنون: ۱۴). وجود این دو بعد در انسان سبب شده است انسان در کنار گرایش‌های الاهی که او را به سوی غایت واقعی او سوق می‌دهد گرایش‌هایی دانی نیز داشته باشد که او را از غایت واقعی دور کرده و به غایات دروغین سوق می‌دهند (الشمس: ۸؛ القیامه: ۵).

مفهوم خواستن که با فعل‌هایی همچون «بیرید» و «بیریدون» و نظایر آن در قرآن کریم به کار رفته است تا حد زیادی ما را با این دو دسته گرایش‌ها مرتبط می‌سازد. از سویی انسان‌هایی وجود دارند که وجه خداوند را خواستارند (الانعام: ۵۲؛ الکهف، ۲۸؛ الروم: ۳۸) و در زمین برتری طلبی و فساد را نمی‌خواهند (القصص: ۸۳) و در مقابل کسانی هستند که می‌خواهند دیگران گمراه شوند (النساء: ۴۴)، می‌خواهند طاغوت را داور و حاکم قرار دهند (النساء: ۶۰)، می‌خواهند میان خداوند و پیامبران جدایی افکنند (النساء: ۱۵۰)، می‌خواهند نور خداوند را خاموش کنند (التوبه: ۳۲؛ الصف: ۸)، پست‌ترین زندگی را می‌خواهند (القصص: ۷۹)، می‌خواهند از دفاع از مردم خود در مقام نبرد بگریزند (الاحزاب: ۱۳)، می‌خواهند کلام خداوند را تغییر دهند (الفتح: ۱۵) و می‌خواهند حيله‌گری کنند (الطور: ۴۲). این آیات نشانگر وجود دو دسته انگیزه و به تبع دو نحوه زندگی اخلاقی است که شاید بتوان آن دو را زندگی خدامحور و زندگی شیطان‌محور نامید که در وجوه مختلفی خود را نمایش می‌دهد و هر یک سرانجامی مجزا از دیگری دارد.

شاید مهم‌ترین هدف پیامبران توجه دادن انسان به غایت واقعی او و قرار دادن توانمندی‌های مختلف انسان اعم از مادی و روحی در مسیر وصول به این غایت باشد. هنگامی که پیامبر (ص) تنها هدف بعثت خود را تکمیل مکارم اخلاق معرفی می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۸۲/۶۸) و در قرآن به عنوان فردی با خلق والا معرفی می‌شود (القلم: ۴) این نکته به ما گوشزد می‌شود که وصول به غایت واقعی انسان از طریق کسب فضایل اخلاقی که عبارتی دیگر برای به فعلیت رساندن جنبه الهی انسان است میسر و نیز ضروری است.

انسان موجودی دارای اختیار است که بسیاری از افعال خود را بر پایه تصمیم‌های عقلانی یا تصمیم‌هایی که عقلانی می‌پندارد انجام می‌دهد.^۲ توجهی شهودی به خود نشان می‌دهد که افعال ارادی انسان در کنار جنبه معرفتی نیازمند گرایش به انجام فعل نیز هست که شاید بتوان آن را بُعد عاطفی فعل تلقی کرد. گرایش به انجام یک فعل نیازمند تحقق انگیزه انجام آن فعل در انسان است. شاید افراد متعددی را دیده باشیم که در عین شناخت دقیق مضرات پر خوری یا مصرف دخانیات گرفتار آنها هستند و نیز افرادی را مشاهده کرده‌ایم که در عین شناخت فواید تلاش، میلی به تلاش وافر در زندگی خود ندارند.

توضیحات پیش‌گفته نشان می‌دهد که داشتن انگیزه قوی نقش بی‌بدیلی در انجام یک فعل در انسان ایفا می‌کند. تسری این مطلب به حیطه اخلاق روشن می‌سازد که انجام یک فعل خوب و ترک یک فعل بد ارتباط وثیقی با انگیزه‌های انسان دارد.

از سوی دیگر، توجه به دو بُعد عالی و دانی انسان، که هر یک رو به غایت خود دارند، این اجازه را به ما می‌دهد که انگیزه‌های انسان را با توجه به این دو بعد به انگیزه‌های عالی و انگیزه‌های دانی تقسیم کنیم. انگیزه عالی انگیزه‌ای است که انسان را به انجام یک فعل خوب سوق می‌دهد و در مقابل انگیزه بد انگیزه‌ای است که انسان را به انجام فعلی بد سوق می‌دهد.

آنچه گفته شد نشان می‌دهد که اگر انسان بخواهد به غایت واقعی خود که متناسب با روح الهی اوست نائل شود نیازمند تقویت انگیزه‌های عالی و تضعیف انگیزه‌های دانی است. این تقویت و آن تضعیف زمینه‌ساز بروز افعال خوب و دوری از افعال بد است.

قرآن به عنوان یک کتاب انسان‌ساز، که پاسخ‌گوی نیازهای واقعی معرفتی انسان است، جهت تقویت انگیزه‌های عالی و تضعیف انگیزه‌های دانی انسان راهکارهای متعددی ارائه کرده است. اگر با الگوی استنطاق که در ادبیات محمدباقر صدر وجود دارد^۳ به سراغ قرآن رفته و چگونگی تقویت انگیزه‌های عالی و تضعیف انگیزه‌های دانی را بر قرآن عرضه کنیم قرآن به سخن می‌آید و پاسخ‌های ارزشمندی در اختیار ما قرار خواهد داد.

ما در این تحقیق با اشاره مختصر به راهکارهای قرآن برای تقویت انگیزه‌های عالی و تضعیف انگیزه‌های دانی، از میان آنها راهکار ارائه الگو را توضیح می‌دهیم. در مقام توضیح این راهکار، ابتدا آن را توصیف کرده و سپس به تحلیل آن خواهیم پرداخت تا ابعاد مختلف آن روشن شود. روش این تحقیق را می‌توان نوعی تفسیر موضوعی دانست که به دلیل پرهیز از یک گزارش اجمالی به راهکار ارائه الگو محدود شده است.

۲. نگاهی اجمالی به راهکارهای قرآن در خصوص تقویت انگیزه‌های عالی و

تضعیف انگیزه‌های دانی

در قرآن کریم، راهکارهای زیادی برای تقویت انگیزه در اقدام به اعمال صالح و تضعیف انگیزه در اقدام به سیئات و مکروهات وجود دارد. بعضی از راهکارها، هم برای ارتقای انگیزه‌های عالی و هم برای تضعیف انگیزه‌های دانی استفاده شده است. بعضی راهکارها فقط برای انگیزه‌های عالی و بعضی دیگر فقط برای تضعیف انگیزه‌های دانی است.

الف. راهکارهایی که قرآن برای تقویت انگیزه‌های عالی ارائه کرده عبارت‌اند از:

مقایسه، ایجاد محبت و رضایت، وعده حمایت و همراهی مؤثر، رحمت و لطف خاص، ذکر اوصاف غایت و استفاده از حس کمال‌جویی، امتنان و تذکار به نعمت، اعطای اجرت و پاداش کامل، ارائه مسیر رستگاری و موفقیت، اعتباربخشی دستور به واسطه جایگاه آمر.

ب. راهکارهایی که قرآن برای تضعیف انگیزه‌های دانی ارائه کرده عبارت‌اند از:

ابراز عدم محبت و نارضایتی، انزوا و تحریم، آسیب‌شناسی و توجه به موانع با ذکر اوصاف شیطانی، مجازات و توبیخ، مشخص کردن حریم و حرمت، عبرت‌گیری، هشدار به عدم موفقیت و عدم هدایت.

ج. راهکارهای مشترک قرآن برای تقویت و تضعیف انگیزه‌های عالی و دانی

عبارت‌اند از: ارائه الگو، تمثیل، نظارت و آگاهی، اطلاع از بازگشت عمل به خود، بیان علت، تأکید و تکرار، تعقل و تفکر، التفات، طرح پرسش توبیخی.

هر یک از این راهکارها در قرآن جهت تقویت یا تضعیف انگیزه برای انجام یا ترک یک یا چند فضیلت یا ردیلت اخلاقی به کار رفته است که در جدول زیر ارتباط هر یک از راهکارها با فضایل یا ردایل مرتبط آمده است:

ردیف	راهکار	فضایل یا رذایل مورد نظر
۱	ارائه الگوی مثبت و منفی	اخلاص، امانتداری، ایثار مال و جان، تواضع، توکل، حیا، شکر، صبر، صداقت، عفو و بخشایش، کظم غیظ، نصیحت و خیرخواهی، وفای به عهد، علم، تکبر، حسد، دروغ و افتراء، شهوت پرستی، قساوت قلب
۲	تمثیل	ایثار، گفتار و برنامه‌های ناصواب، تکبر، حب دنیا، ربا، قساوت قلب، کفران نعمت
۳	مقایسه	ایثار، تقوا، حب دنیا
۴	ایجاد محبت و رضایت	ایثار، تواضع، توکل بر خدا، صبر، عفو و بخشایش، کظم غیظ، وفای به عهد
۵	ابراز عدم محبت و نارضایتی	اسراف، بخل، بدزبانی و عیب‌جویی، تکبر، خیانت
۶	اعتباردهی و منزلت اجتماعی	حسن معاشرت
۷	انزوا و تحریم	عدم ایثار، بدخلقی، بخل، کینه
۸	وعده حمایت و همراهی مؤثر	ایثار و تقوا، ایمان، صبر
۹	طرد و لعنت خاطی	بدزبانی، خلف وعده، ظلم، قطع رحم
۱۰	رحمت و لطف خاص	ایثار، ایمان، صبر
۱۱	ذکر اوصاف غایت و استفاده از حس کمال‌جویی	شکر، صداقت، عفو و بخشایش، وفای به عهد
۱۲	آسیب‌شناسی و توجه به موانع با ذکر اوصاف شیطانی	اسراف، تکبر، خلف وعده، دروغ، دشمنی و خشم با ترویج گناه، وسواس
۱۳	امتنان و تذکار به نعمت	شکرگزاری
۱۴	زائل ساختن ترس و نگرانی	ایثار
۱۵	اعطای اجرت و پاداش کامل	اخلاص، امانتداری، ایثار، تواضع، توکل، شکر، صبر، صداقت، صله رحم، عفو و بخشایش، کظم غیظ، وفای به عهد
۱۶	مجازات و توبیخ	بخل، تجسس و عیب‌جویی، تکبر، تهمت، حب دنیا، خلف وعده، خیانت، دروغ، سخن‌چینی، کفران، قطع رحم

۱۷	نظارت و آگاهی	ایثار، تقوا، خیانت، صبر، ظلم، عفت، وفای به عهد
۱۸	اطلاع از بازگشت عمل به خود	بخل، بدزبانی، تجسس و عیب‌جویی، شکر، عفو و بخشایش
۱۹	مشخص کردن حریم و حرمت	تکبر
۲۰	بیان علت	ایثار، تمسخر، توکل، هواپرستی
۲۱	تهدید	حب دنیا، ریا، کفران، کینه
۲۲	عبرت‌گیری	بخل، تکبر، خیانت، دروغ، شهوت‌پرستی، کفران
۲۳	ارائه مسیر رستگاری و موفقیت	اخلاص، ایثار، تقوا، توکل، صبر
۲۴	هشدار به عدم موفقیت و هدایت	اسراف، بخل، تکبر، حب دنیا، خیانت، دروغ، شهوت‌پرستی، ظلم، قساوت قلب
۲۵	تأکید و تکرار	خیانت، دروغ، تکبر، شکرگزاری
۲۶	اعتباربخشی دستور به واسطه جایگاه امر	امانتداری، صلح رحم، عدل و ایثار
۲۷	تعقل و تفکر	شکرگزاری، افعال پسندیده و مذموم
۲۸	سود و زیان مالی	توکل، صبر
۲۹	پیامد عملی از عمل دیگر	بخل، خلف وعده، دروغ
۳۰	کفایت و عدم تضرر	صبر، توکل
۳۱	اسلوب کلامی	تقوا، حب دنیا، شکرگزاری، ایمان، عدالت، مجموعه افعال اخلاقی، صدق و کذب

این جدول نشان می‌دهد که برخی از راهکارها برای برخی از افعال خوب یا بد مشترک است. برای مثال، قرآن برای تضعیف انگیزه بروز تکبر در انسان از راهکارهای متعدد عبرت‌گیری، مجازات و توبیخ، مشخص کردن حریم و حرمت، تمثیل و ... استفاده کرده است. همچنین این جدول نشان می‌دهد که ارائه الگو راهکاری وسیع است که با طیف وسیعی از افعال خوب و بد اخلاقی مرتبط است.

چنان‌که گفته شد این مقاله به توضیح یکی از راهکارهای قرآن یعنی راهکار ارائه الگو اختصاص یافته است و توضیح در خصوص هر یک از این راهکارها می‌تواند موضوع مقالات متعدد دیگری باشد.^۴ از همین‌رو در ادامه به توصیف راهکار ارائه الگو و تحلیل آن می‌پردازیم.

۳. توصیف راهکار ارائه الگو برای تقویت انگیزه‌های عالی و تضعیف انگیزه‌های دانی

توجه به نظریات مطرح در حیطه اخلاق به ما می‌آموزد که نظریه‌پردازان این عرصه در دو دسته قرار می‌گیرند. از سویی نظریات مسئله‌محور و از سوی دیگر نظریات فاعل‌محور قرار دارد. نظریات وظیفه‌گرویی و غایت‌گرویی را می‌توان نظریات مسئله‌محور و نظریه فضیلت‌گرویی را نظریه‌ای فاعل‌محور قلمداد کرد.

پرسش اساسی در نظریات وظیفه‌گرویی (Deontologism) و غایت‌گرویی (Teleologism)^۵ این است که «چه باید بکنیم». بر این اساس، در این دو نظریه این مسئله مورد بحث است که اهمیت دارد. هر یک از این دو نظریه برای وصول به پاسخ پرسش مذکور ملاک‌هایی را در اختیار ما قرار می‌دهند. اما در نظریه فضیلت‌گرویی (Virtue-based ethics)^۶، این پرسش، محوری است که «چگونه انسانی باید بشویم». فضیلت‌گروان معتقدند قدیسان و الگوهای اخلاقی، بیشتر به ما اخلاق آموخته‌اند و ما را اخلاقی کرده‌اند تا آموزه‌های اخلاقی خصوصاً آموزه‌های مبتنی بر قواعد کلی. وجود الگوهای اخلاقی در جامعه، سبب می‌شود که به نحوه زندگی اخلاقی دست یابیم و به تبع آن، معنای الفاظ، خصوصاً الفاظ اخلاقی و الفاظ مرتبط با نظریات اخلاقی همچون «وظیفه» و «غایت مطلوب» به خوبی معنا یابند. از سوی دیگر، فضای اخلاقی سبب می‌شود که در تصمیم‌گیری‌های عملی و معرفتی بهتر عمل کنیم و شهادهای اخلاقی ما پرورش یابد.

قرآن کریم به ما می‌آموزد که الگوهای اخلاقی نقش بی‌بدیلی در زیست اخلاقی انسان‌ها دارند. قرآن کریم از حضرت رسول (ص) به عنوان اسوه حسنه برای مؤمنان نام برده است (الأحزاب: ۲۱). مؤمنانی که در یک حیات اجتماعی با دیگران زندگی می‌کنند در وصول به زیست اخلاقی والا نیازمند الگو هستند تا با توجه به او بهتر عمل کنند.

بررسی آیات قرآن روشن می‌سازد که برای تقویت انگیزه انسان‌ها در جهت انجام یا ترک فضایل و ردایل زیر از راهکار ارائه الگو استفاده شده است:

الف. فضایل: اخلاص، امانت‌داری، ایثار مال و جان، تواضع، توکل، حیا، شکر، صبر، صداقت، عفو و بخشایش، کظم غیظ، نصیحت و خیرخواهی، وفای به عهد، علم.

ب. ردایل: تکبر، حسد، دروغ و افتراء، شهوت‌پرستی، قساوت قلب

اکنون اجازه دهید به بررسی هر یک از این موارد بپردازیم.

۳. ۱. توصیف راهکار ارائه الگو برای تقویت انگیزه عالی در جهت انجام فضایل

در مقام توصیف راهکار ارائه الگو بحث خود را با مواردی که خداوند در قرآن از آن برای تقویت انگیزه‌های عالی در جهت انجام یک فعل خوب استفاده کرده است آغاز می‌کنیم.

- **اخلاص:** قرآن کریم اخلاص پیامبران را به عنوان الگو معرفی می‌کند؛ حضرت یوسف (ع) (یوسف: ۲۴)، حضرت موسی (ع) (مریم: ۵۱) و حضرت ابراهیم، حضرت اسحاق و حضرت یعقوب (ع) (ص: ۴۵-۴۶) در قرآن به عنوان افراد مخلص معرفی شده‌اند.

- **امانتداری:** قرآن برای اشاره به این وصف از تعبیر امین استفاده کرده است. این تعبیر برای حضرت یوسف (یوسف: ۵۴-۵۵)، حضرت جبرئیل (الشعرا: ۹۳)، حضرت نوح (الشعرا: ۱۰۷)، حضرت هود (الشعرا: ۱۲۵)، حضرت صالح (الشعرا: ۱۴۳)، حضرت لوط (الشعرا: ۱۶۲)، حضرت شعیب (الشعرا: ۱۷۸) و حضرت موسی (الدخان: ۱۷ و ۱۸) به کار رفته است و این عده به عنوان الگوهای امانتداری معرفی شده‌اند.

- **تواضع:** قرآن کریم از پیامبر اکرم (ص) (آل عمران: ۱۵۹؛ التوبه: ۱۲۸)، فرشتگان (الاعراف: ۲۰۶) و حضرت زکریا (ع) (الانبیاء: ۸۹ و ۹۰) به عنوان الگوی تواضع نام می‌برد. این تواضع نسبت به خداوند و نسبت به مردم است. کما اینکه قرآن در مورد فرشتگان و حضرت زکریا (ع) از تواضع نسبت به خداوند و در مورد پیامبر اکرم (ص) از تواضع نسبت به مردم سخن می‌گوید.

- **ایثار مال و جان:** قرآن کریم، پیامبر اکرم (ص) را به عنوان الگوی ایثار جان و مال در راه خداوند معرفی می‌کند (التوبه: ۸۸).

- **توکل:** افرادی که به عنوان الگوی توکل در قرآن معرفی شده‌اند عبارت‌اند از: حضرت شعیب (الاعراف: ۸۹)، پیامبر اسلام (التوبه: ۱۲۹)، حضرت نوح (یونس: ۷۱)، حضرت هود (هود: ۵۶)، حضرت یعقوب (یوسف: ۶۷) و حضرت ابراهیم (الممتحنه: ۴).

- **حیا:** افراد زیر با وصف حیا در قرآن یاد شده‌اند تا از این طریق قرآن کریم الگوی حیا را به مردم معرفی کند: حضرت یوسف (ع) (یوسف: ۲۳)، حضرت مریم (ع) (مریم: ۱۶-۲۰)، دختر حضرت شعیب (ع) (القصص: ۲۵) و پیامبر اسلام (ص) (الاحزاب: ۵۳).

- **شکر:** حضرت ابراهیم (النحل: ۱۲۰-۱۲۱)، حضرت نوح (الاسراء: ۳) و حضرت سلیمان (ع) (النمل: ۱۹) به عنوان الگوهای شکر در قرآن معرفی شده‌اند.

- **صبر:** پیامبران متعددی در قرآن کریم به عنوان صابر معرفی شده‌اند تا الگویی برای انسان‌ها باشند: حضرات اسماعیل، ادريس و ذوالکفل (الانبیاء: ۸۵)، حضرت ایوب (ص: ۴۱-۴۴)، حضرت اسماعیل (الصفات: ۱۰۲) پیامبران بنی‌اسرائیل به صورت عام (السجده: ۲۴) و پیامبر اکرم به همراه پیامبران اولوالعزم (ع) (الاحقاف: ۳۵) در قرآن کریم با وصف صابر معرفی شده‌اند.
- **صداقت:** صداقت فضیلتی بسیار مهم است که نه تنها در قرآن کریم بلکه در کتاب مقدس یهودیان و مسیحیان نیز مورد توجه است. آنجا که خداوند در قرآن بیان می‌کند زمین را به بندگان صالح به ارث می‌دهد (النساء: ۱۶۳) و این مطلب را به نقل از زبور حضرت داوود (ع) معرفی می‌کند، متوجه می‌شویم که در زبور (میزمور، ۳۷: ۲۹) به جای بندگان صالح از تعبیر **صَدِيق** (صَدِيق) از ریشه **لَا** (ص د ق) استفاده شده است. در هر حال، در قرآن کریم حضرت مریم (المائده: ۷۵)، حضرت یوسف (یوسف: ۴۶)، حضرت ادريس (مریم: ۵۶) و حضرت ابراهیم (ع) (مریم: ۴۱) به عنوان الگوهای صداقت با عنوان **صَدِيق** معرفی شده‌اند.
- **عفو:** قرآن کریم از پیامبر اسلام (ص) به عنوان الگوی عفو و گذشت یاد کرده است (آل عمران: ۱۵۹).
- **کظم غیظ:** قرآن کریم حضرت یعقوب (ع) را به عنوان الگوی کظم غیظ معرفی کرده است (یوسف: ۸۴).
- **خیر خواهی:** خیرخواهی فضیلتی است که دارندگان آن در قرآن کریم با وصف «ناصح» نامیده شده‌اند. حضرت صالح (الاعراف: ۷۹)، حضرت نوح (الاعراف: ۶۲)، حضرت هود (الاعراف: ۶۸) و حضرت شعيب (الاعراف: ۹۳) پیامبرانی هستند که خداوند آنان را به عنوان الگوهای خیرخواهی معرفی کرده است.
- **وفای به عهد:** خداوند در قرآن حضرت اسماعیل (ع) را به عنوان الگوی وفای به عهد معرفی کرده است (مریم: ۵۴).
- **علم:** خداوند در قرآن کریم حضرت یوسف (یوسف: ۲۲)، حضرت خضر (الکهف: ۶۵)، حضرت لوط (الانبیاء: ۷۴)، حضرت داوود و حضرت سلیمان (الانبیاء: ۷۹؛ النمل: ۱۵) و حضرت موسی (القصص: ۱۴) را به عنوان الگوهای علم معرفی کرده است.

۲.۳. توصیف راهکار ارائه الگو برای تضعیف انگیزه‌های دانی در جهت ترک ردائل

همان‌گونه که پیش‌تر گفتیم خداوند در قرآن کریم نمونه‌هایی از افراد شاخص در عرصه ردائل را نیز نام برده است تا انسان با توجه به آنان از انجام کارهای زشت دوری بجوید. این کار از طریق تضعیف انگیزه‌های دانی انسان صورت می‌پذیرد.

- **تکبر:** خداوند ابلیس (البقره: ۳۴) و فرعون (الغافر: ۲۷) را به عنوان الگوهای منفی ردیله تکبر معرفی کرده است.

- **حسد:** قابیل به عنوان الگوی حسد در قرآن معرفی شده است (المائده: ۲۷-۳۰).

- **افترا:** افترا ردیله‌ای است که الگوی آن در قرآن، زلیخا است آن زمانی که نسبت دروغ به حضرت یوسف می‌دهد (یوسف: ۲۵-۲۹).

- **شبهوت پرستی:** این ردیله نیز در قرآن با نام زلیخا پیوند خورده است، آنجا که از حضرت یوسف تقاضای نامشروع دارد (یوسف: ۲۳-۲۴).

۴. تحلیل راهکار ارائه الگو برای تقویت انگیزه‌های عالی و تضعیف انگیزه‌های دانی

توجه به موارد متعدد ذکر الگو در قرآن و تأمل در آنها نکات متعددی را در اختیار ما قرار می‌دهد:

۴.۱. تنوع دسته‌بندی

الگوهایی که قرآن برای تقویت یا تضعیف انگیزه‌های عالی و دانی معرفی کرده است از جنبه‌های گوناگون قابل تقسیم‌بندی هستند.

الف. تقسیم بر پایه عام و خاص بودن الگو: این الگوها را می‌توان از

یک جهت به الگوهای عام و خاص تقسیم کرد. مقصود از الگوی عام الگویی برای کل ابعاد زیست اخلاقی است. این تقسیم‌بندی را می‌توان هم در خصوص الگوهای مثبت در جهت تقویت انگیزه‌های عالی و هم در الگوهای منفی در جهت تضعیف انگیزه‌های دانی مطرح کرد. در قرآن کریم حضرت رسول اکرم (ص) به عنوان الگوی عام در خصوص فضایل معرفی شده‌اند: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (الأحزاب: ۲۱). می‌توان ابلیس و امامان کفر را به عنوان الگوهای عام ردیلت‌های اخلاقی تلقی کرد تا انسان با توجه به آنان و دوری

از نحوه وجودی آنان هر چه بیشتر در جهت تضعیف انگیزه‌های دانی قدم بردارد.

مقصود از الگوی خاص معرفی توسط قرآن در خصوص یک فضیلت اخلاقی است. غالب مواردی که در بالا مورد بررسی و معرفی قرار گرفت الگوهای خاص بودند.

ب. تقسیم بر پایه جنسیت: الگوهای ذکرشده در قرآن کریم را می‌توان به لحاظ جنسیت نیز تقسیم کرد. همان‌گونه که مشاهده شد در کنار مردان بزرگ از زنان بزرگ همچون حضرت مریم (س) نیز به عنوان الگویی متعالی یاد شده است.

ج. تقسیم بر پایه فردی، خانوادگی و اجتماعی بودن الگو: توجه به الگوهای ذکرشده در قرآن کریم این اجازه را به ما می‌دهد که از تقسیم الگو به فردی، خانوادگی و نیز اجتماعی سخن بگوییم. آنجا که خداوند درباره پیامبران سخن می‌گوید ما را با الگوهای فردی پیوند می‌دهد و آنجا که از خاندان حضرت زکریا (ع) و تواضع آنان بحث می‌کند الگویی خانوادگی را پیش روی ما می‌نهد و آنجا که از همراهان حضرت ابراهیم (ع) یاد می‌کند الگویی اجتماعی را در اختیار ما قرار می‌دهد.

۲.۴. توجه توأمان به الگوهای مثبت و منفی

در حالی که در قرآن کریم ارائه الگوهای مثبت اصل است، در عین حال به الگوهای منفی در برابر الگوهای مثبت عنایت شده است. در میان این دو نوع الگو، توجه اصلی معطوف به الگوهای مثبت است. این نوع الگوسازی ما را متوجه عبارت سعدی می‌کند که ادب آموختن از بی‌ادبان را به یاد ما می‌آورد. هنگامی که قرآن در باره جوامع مختلف سخن می‌گوید تذکر می‌دهد که در سرگذشت آنان عبرت برای صاحبان درک و توجه است. تکذیب‌کنندگان (ال عمران: ۱۳۷؛ الانعام: ۱۱؛ النحل: ۳۶؛ الزخرف: ۲۵)، مجرمان (الأعراف: ۸۴؛ النمل: ۶۹)، مفسدان (الأعراف: ۸۶ و ۱۰۳؛ النمل: ۱۴)، ظالمان (یونس: ۳۹؛ القصص: ۴۰؛ الروم: ۹)، مشرکان (الروم: ۴۲) و گناهکاران (غافر: ۲۱) از جمله امت‌هایی هستند که به عنوان الگوهای منفی در قرآن معرفی شده‌اند و از انسان‌ها خواسته شده است با نظر به سرانجام آنها عبرت گرفته و در مسیر آنان قدم برندارند.

۳.۴. توجه به ابعاد مختلف وجودی انسان

انسان ابعاد وجودی مختلفی دارد و الگوهای معرفی شده در قرآن به این ابعاد گوناگون توجه کرده‌اند. این ابعاد را می‌توان از منظرهای مختلف مورد توجه قرار داد.

الف. تقسیم با توجه به روابط انسان: ما می‌توانیم از رابطه انسان با

خداوند، رابطه انسان با دیگر انسان‌ها و نیز رابطه انسان با خود سخن بگوییم. با توجه به حاکمیت اخلاق در تمام ابعاد زندگی طبیعی است که توقع داشته باشیم در تمام این ابعاد فضایل متعددی را شاهد باشیم. محور بودن اخلاق فضیلت‌محور لازم می‌آورد که در تمام این ابعاد الگوهایی مطرح شود تا انسان با توجه به آنها بتواند زیست اخلاقی خود را ساماندهی کند. الگوهای قرآنی این ابعاد سه‌گانه را پوشش می‌دهند.

برای مثال، شکر بر نعمات خداوند، توکل بر خداوند، ایثار مال و جان در مسیر خداوند و اخلاص از فضایل مربوط به رابطه انسان و خداوند است. شکر از زحمات دیگران، صادق بودن با آنان، پرهیز از افترا به دیگران، عفو، خیرخواهی و وفای به عهد از جمله فضایل مربوط به رابطه انسان با دیگر انسان‌هاست. فضایی همچون حیا، کظم غیظ و صبر نیز در مقام نخست به رابطه انسان با خودش مربوط می‌شود، هرچند در نهایت در تعامل با دیگران نیز بروز می‌یابد. این فضایل در آیات قرآن مورد توجه قرار گرفته و توصیف شد. این بدان معناست که خداوند با معرفی الگو در مورد هر یک از این فضایل در واقع به ابعاد مختلف وجودی انسان توجه کرده است.

ب. تقسیم به اعتبار نوع فضایل: اگر از تقسیمی که بینکافس برای فضایل

استفاده کرده و آنها را به فضایل ابزاری و فضایل غیرابزاری تقسیم کرده بهره ببریم^۷ می‌توانیم این‌گونه بگوییم که در قرآن بر فضایل غیرابزاری تأکید شده است. به نظر می‌رسد فضایل غیرابزاری همچون حیا، شکر، امانتداری و ... به عنوان مبنایی برای فضایل ابزاری فردی همچون مصمم بودن و پی‌گیری کارها و نیز فضایل ابزاری گروهی همچون داشتن روحیه همیاری و تصمیم‌گیری عاقلانه است. در عین حال باید توجه داشته باشیم که این تقسیم فضایل در واقع تقسیمی به اعتبار ساحات وجودی انسان است.

تقسیم به اعتبار نوع فضایل را به گونه دیگری نیز می‌توان فهم کرد. با توجه به تقسیم فضایل به فضایل معرفتی و رفتاری درمی‌یابیم که در قرآن به الگوهای فضایل معرفتی در کنار الگوهای فضایل رفتاری توجه شده است. قرآن کریم به فضیلت علم به عنوان یک فضیلت معرفتی در

کنار فضایی همچون صبر، شکر، وفای به عهد و ... به عنوان فضایل رفتاری بها می‌دهد و الگو معرفی می‌کند. توجه توأمان به این دو بُعد از ارتباط وثیق آنها از منظر قرآن ناشی می‌شود. در قرآن کریم شناخت صحیح و رفتار فضیلت‌مندانه با یکدیگر ارتباط متقابل دارند. برای مثال، رذیله فرار از نبرد منصفانه باعث عدم علم می‌گردد (التوبه: ۹۳) و یا رذیله کفر باعث مهر بر قلب و عدم تفقه می‌شود (المنافقون: ۳). به همین منوال، عدم علم باعث اعراض از حقیقت به عنوان یک رذیله می‌شود (الانبیاء: ۲۴). جالب است بدانیم همان‌گونه که یک رذیله رفتاری باعث مهر نهادن خداوند بر قلب می‌شود عدم علم نیز باعث مهر نهادن خداوند بر قلب می‌شود (روم: ۵۹).

۴.۴. نقش برجسته پیامبران به عنوان الگوهای اخلاقی مثبت

توجه به آیات قرآن نشان می‌دهد که بیشتر مواردی که الگوهای اخلاقی مثبت معرفی شده است با پیامبران (ع) مواجهیم. این الگوها چه به صورت عام همچون حضرت رسول (ص) و چه به صورت خاص مانند سایر پیامبران عظام (ع) این پیام را دارند که پیامبران نقش بی بدیلی در تاریخ بشریت از حیث زیست اخلاقی آنان بر عهده داشته‌اند و اگر بشر بخواهد به زیست اخلاقی خود ادامه دهد نمی‌تواند نسبت به نحوه زیست اخلاقی آنان غافل باشد.

توجه قرآن به پیامبران ادیان قبلی این درس را نیز دارد که پیامبران از حیث نقش اخلاقی انسان‌های فرازمانی هستند که نباید نقش آنها را به زمان خودشان محدود کرد. مسلمان، مسیحی و یهودی باید به پیامبران به عنوان الگوهای اخلاقی بذل توجه کنند و از این طریق به هدف ادیان، که همان وصول به خداوند از طریق زندگی اخلاقی است، نائل شوند.

این نقش و اثرگذاری لزوماً به معنای اثرگذاری مستقیم نیست تا اشکال شود که در میان خدانا باوران نیز می‌توان انسان‌های فضیلت‌مند مشاهده کرد، بلکه این تأثیرگذاری اعم از تأثیرگذاری مستقیم و غیرمستقیم است. فراموش نکنیم که فرد خدانا باور در صورتی زیست اخلاقی خواهد داشت که در جامعه یا خانواده‌ای با حضور انسان‌های اخلاقی رشد و تربیت یافته باشد. این فضای اخلاقی سابقه‌ای تاریخی دارد. فضای اخلاقی ناگهان زاده نمی‌شود، بلکه از نسلی به نسل بعد منتقل می‌شود. رهگیری تاریخی این حیات اخلاقی در هر جامعه‌ای در نهایت ما را به پیامبران به عنوان الگوهای اصلی زیست اخلاقی می‌رساند.

در مذهب امامیه که امامان نقش بسیار برجسته‌ای از حیث الگوی اخلاقی دارند، نقش خود را در مقام نخست به سبب ارتباط تعلیمی با حضرت رسول (ص) دارا هستند که تأکید مجددی است بر نقش پیامبران به عنوان الگوهای اخلاقی.

نتیجه‌گیری

قرآن کریم صرفاً یک کتاب نظری نیست، بلکه برنامه هدایت انسان را بر عهده دارد. قرآن برای تربیت همه‌جانبه آحاد بشر، به تبدیل امور معقول به محسوس عنایت خاصی مبذول داشته است. برای نمونه، وقتی قرآن کریم می‌خواهد نیکوکاری را توضیح دهد به جای ارائه تعریف افراد نیکوکار را معرفی می‌کند (بقره: ۱۷۷؛ بقره: ۱۸۹). از همین‌رو اهتمام به الگوهای اخلاقی بهترین شیوه برای ایجاد انگیزه در حصول ملکات اخلاقی پسندیده و دوری از ملکات ناپسند است.

الگوهای اخلاقی در جنبه‌های مختلف، مورد توجه قرآن کریم قرار گرفته است. پیامبر اکرم الگوی جامع برای همگان است. در کنار الگوی عام، الگوهای خاصی نیز ارائه شده است. ملائکه، جبرئیل، پیامبران پیش از بنی‌اسرائیل، پیامبران بنی‌اسرائیل، پیامبران اولوالعزم، حضرت مریم، دختر حضرت شعیب، مؤمنان و بندگان صالح به عنوان الگو در چهارده فضیلت اخلاقی شامل اخلاص، امانتداری، ایثار مال و جان، تواضع، توکل، حیا، شکر، صبر، صداقت، عفو و بخشایش، کظم غیظ، نصیحت و خیرخواهی، وفای به عهد و علم ذکر شده‌اند.

ابلیس و ائمه کفر الگوهای عام رذایل اخلاقی، و قابیل و زلیخا نیز الگوی رذایل خاصی هستند که باید از آنان پرهیز کرد. قرآن در خصوص آنها مجموعاً پنج رذیله اخلاقی شامل تکبر، حسد، افتراء، شهوت‌پرستی و قساوت قلب را معرفی کرده است؛ هرچند در خصوص ابلیس رذایل اخلاقی به صورت عام مد نظر است.

آنچه در این مقاله به صورت تفصیلی مطرح شد یکی از راهکارهای تربیت اخلاقی قرآن است. راهکارهای متعدد دیگری که در قالب جدول ابتدای نوشته ارائه شد امکان بررسی و تحلیل را دارد. عجین بودن تربیت با جنبه‌های مختلف زندگی انسان نشان می‌دهد که تحلیل راهکارهای تربیتی قرآن می‌تواند زمینه‌ساز زیست اخلاقی قرآنی باشد.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. عهد عتیق بر پایه نسخه خطی حلب (Aleppo Codex) به عبری.
۳. ابن کثیر، اسماعیل بن عمرو (۱۴۱۹). تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: محمد حسین شمس‌الدین، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۴. احمد بن حنبل (بی‌تا). المسند، بیروت: دار صادر.
۵. پالمر، مایکل (۱۳۸۵). مسائل اخلاقی، ترجمه: علیرضا آل‌بویه، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۶. پینکافس، ادموند (۱۳۸۲). از مسئله محوری تا فضیلت‌گرایی، ترجمه: حمیدرضا حسینی و مهدی علی‌پور، قم: دفتر نشر معارف.
۷. شریف رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴). نهج‌البلاغه (صبحی صالح)، تحقیق و تصحیح: فیض الإسلام، قم: هجرت.
۸. صدر، سید محمد باقر (۱۴۰۹). السنن التاريخیه فی القرآن، دمشق: دار التعارف.
۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی، تحقیق و تصحیح: علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۱۰. مجلسی، علامه محمد باقر (۱۴۰۳). بحار الانوار، تحقیق: ابراهیم المیانجی و محمد باقر البهبودی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، الطبعة الثالثة.
11. Anscombe, G. E. M. (1958). "Modern Moral Philosophy", in: *Philosophy*, no. 33, pp. 1–19.
12. Laird, J. (1946). "Act-Ethics and Agent-Ethics", in: *Mind*, no. 55, pp. 113–32.

پی‌نوشت‌ها:

۱. این روایت در کتب اهل سنت نیز با اندکی تفاوت در بخش پایانی روایت آمده است. برای مثال، امام احمد بن حنبل با عبارت «انما بعثت لاصالح الاخلاق» این روایت را آورده است (احمد بن حنبل، بی‌تا: ۳۸۱/۲). ابن‌کثیر نیز در تفسیر خود این روایت را به نقل از امام احمد بن حنبل با همان تعبیر «اصالح الاخلاق» آورده است (ابن‌کثیر، ۱۴۱۹: ۲۰۸/۸).
۲. تصمیم عقلانی مبتنی بر علم صحیح و گرایش‌های متعالی است. تصمیم غیرعقلانی مبتنی بر جهل، گرایش‌های دانی و یا جمع هر دو است. در وضعیت دوم هرچند که فرد تصمیم خود را عقاقلانه قلمداد کند در واقع غیرعقاقلانه است. تعبیر زیبای قرآن در این مقام راه‌گشاست: الذین ضل سعیرهم فی الحیاه الدنیا و یحسبون انهم یحسنون صنعا (الکہف: ۱۰۴).
۳. در نگاه شهید صدر، تعبیر «استنطاق» در سخن مشهور «ذَلِكَ الْقُرْآنُ فَاسْتَنْطِقُوهُ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۶۱/۱؛ شریف رضی، ۱۴۱۴: ۲۲۳) بیان لطیفی از رویکرد موضوعی به قرآن کریم است. مفسر موضوعی موظف است با ورود به گفت‌وگو با قرآن کریم، این متن الهی را به نطق درآورد و علاوه بر ضمیمه کردن تجارب بشری به تأملات قرآنی جهت دست‌یابی به نظریه قرآن، تمامی آیات مرتبط با آن موضوع را نیز جمع‌آوری کرده و به شکل مجموعی بررسی کند (صدر، ۱۴۰۹: ۳۴–۳۶).
۴. پاسخ به این پرسش که هر یک از این راهکارها و ارتباط آن با فعل اخلاقی خوب یا بد ذکرشده در جدول در کدام آیات قرآن آمده است مهم‌ترین مسئله است. از سوی دیگر، لازم است مقصود دقیق هر یک از راهکارها معلوم شود. برای توضیح بیشتر نک: هاشمی گلپایگانی، سید محمدصالح، «راهکارهای ارتقای انگیزه‌های عالی و تضعیف انگیزه‌های دانی اخلاقی از دیدگاه قرآن» رساله دکتری مدرسی معارف اسلامی، گرایش اخلاق اسلامی، استاد راهنما: سید حسن سعادت مصطفوی، اساتید مشاور: رضا اکبری، عباس اشرفی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۵. در خصوص اقسام غایت‌گرایی نک: پالمر، ۱۳۸۵.
۶. اگر چه نظریه اخلاق فضیلت یا همان فضیلت‌گرایی از لحاظ تاریخی به ارسطو بازگشت می‌کند ولی در دوره جدید در فرهنگ غرب کمتر مورد توجه قرار داشت. مقاله اثرگذار انسکوم که در ۱۹۵۸ با عنوان «فلسفه اخلاق مدرن» (*Modern Moral Philosophy*) در بازگشت به اخلاق فضیلت تأثیر فراوانی داشت. در

عین حال نباید از کتاب هارتمن که در ۱۹۲۶ با عنوان اخلاق *Ethik* به زبان آلمانی منتشر شد و نیز مقاله ارزشمند لایرد (Laird) که با عنوان «اخلاق فعل و اخلاق فاعل» (Act-Ethics and Agent-Ethics) در ۱۹۴۶ منتشر شد غافل بود.

۷. در مورد تقسیم فضایل از منظر پینکافس نک: پینکافس، ۱۳۸۲، فصل پنجم.

